

## آیه ۱۴۸ - ۱۴۹

### آیه و ترجمه

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسدا له خوار الم یروا انه لا یکلّمهم و لا یهدیهم سبیلا اتخذوه و کانوا ظلمین ۱۴۸  
و لما سقط فی ایدیهم و راوا انهم قد ضلوا قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین ۱۴۹

ترجمه :

۱۴۸ - قوم موسی بعد از (رفتن) او (به میعادگاه خداوند) از زیور آلات خود گوساله‌ای ساختند، جسد بیروحي بود که صدای گاو داشت! آیا آنها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید و به راه (راست) هدایتشان نمی‌کند، آنرا (خدا) خود انتخاب کردند و ظالم بودند.

۱۴۹ - و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد و دیدند گمراه شده‌اند گفتند اگر پروردگار ما، به ما رحم نکند و ما را نیامرزد به طور قطع از زیانکاران خواهیم بود.

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۰

### تفسیر :

#### آغاز گوساله پرستی یهود

در این آیات، یکی از حوادث اسفناک و در عین حال تعجب‌آوری که بعد از رفتن موسی (علیه السلام) به میقات در میان بنی اسرائیل رخ داد، بازگو شده است و آن جریان گوساله پرستی آنها است که به دست شخصی به نام سامری و با استفاده از زیور آلات بنی اسرائیل، انجام گرفت.

اهمیت این داستان به اندازه‌ای است که قرآن در چهار سوره به آن اشاره کرده است، در سوره بقره آیه ۵۱ و ۵۴ و ۹۲ و ۹۳ و در نساء آیه ۱۵۳ و در اعراف آیات مورد بحث، و در طه آیه ۸۸ به بعد.

البته این حادثه، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی بدون زمینه و بدون مقدمه نبوده است، زیرا از یکسو بنی اسرائیل سالیان دراز در مصر شاهد گاو پرستی یا گوساله پرستی مصریان بودند، و از سوی دیگر به هنگامی که از رود نیل عبور

کردند صحنه بت پرستی (گاوپرستی) قومی که در آن سوی نیل زندگی میکردند، توجه آنها را جلب کرد، و چنانکه در آیات قبل گذشت، از موسی (علیه السلام) تقاضای بتی همانند آنها کردند، که موسی شدیداً آنانرا ملامت و سرزنش کرد.

تمدید میقات موسی (علیه السلام) از سی شب به چهل شب، نیز سبب شد که شایعه مرگ موسی (علیه السلام) آنچنان که در بعضی از تفاسیر آمده بوسیله بعضی از منافقان، در میان بنی اسرائیل نشر شود.

جهل و نادانی بسیاری از این جمعیت و مهارت و زبردستی سامری در پیاده کردن نقشه خود نیز به این موضوعات کمک کرد و مجموعاً سبب شد در مدت

---

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۱

کوتاهی اکثریت بنی اسرائیل به بت پرستی روی آورند و غوغائی اطراف گوساله به راه اندازند.

در آیه فوق، نخست چنین میگوید: قوم موسی (علیه السلام) بعد از رفتن او به میقات، از زینت آلات خود گوساله ای که تنها جسد بیجانی بود با صدای مخصوص گاو برای خود انتخاب کردند (و اتخاذ قوم موسی من بعده من حلیم عجل جسد له خوار).

با این که این کار از سامری سرزد (چنانکه آیات سوره طه گواهی می دهد) ولی این عمل به قوم موسی (علیه السلام) نسبت داده شده است، به خاطر اینکه عده زیادی از آنها سامری را در این کار یاری کردند، و در واقع شریک جرم او بودند، و عده بیشتری به عمل او راضی شدند

گرچه ظاهر آیه در بدو نظر این است که همه قوم موسی (علیه السلام) در این کار شرکت داشتند، ولی با توجه به آیه ۱۵۹ همین سوره که میگوید و من قوم موسی امة یهدون بالحق و به یعدلون (از قوم موسی، جمعیتی بودند که به سوی حق هدایت میکردند، و به آن توجه داشتند) استفاده می شود که منظور از آیه مورد بحث همه آنها نیست، بلکه اکثریت عظیمی از آنها، این راه را تعقیب کردند، به گواهی آیات آینده که ناتوانی هارون را از مقابله با آنها منعکس ساخته است.

### چگونه گوساله طلائی صدا کرد

کلمه خوار به معنی صدای مخصوصی است که از گاو یا گوساله برمیخیزد،

جمعی از مفسران معتقدند که سامری با اطلاعاتی که داشت، لوله‌های مخصوصی در درون سینه گوساله طلایی کار گذاشته بود که هوای

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۲

فشرده از آن خارج میشد و از دهان گوساله، صدائی شبیه صدای گاو بیرون می‌آمد!

بعضی دیگر می‌گویند: گوساله را آنچنان در مسیر باد گذارده بود که بر اثر وزش باد به دهان او که به شکل مخصوصی ساخته شده بود، صدائی به گوش میرسید.

اما اینکه جمعی از مفسران گفته‌اند گوساله سامری به خاطر مقداری خاک که از زیر پای جبرئیل برداشت و در آن ریخته بود، به صورت گوساله زنده‌ای درآمد و صدای طبیعی سرداد، شاهدهی در آیات قرآن ندارد، چنانکه به خواست خدا در تفسیر آیات سوره طه خواهد آمد، و کلمه جسدا گواه بر این است که حیوان زنده‌ای نبود، زیرا در تمام مواردی که این کلمه در قرآن به کار رفته است به معنی جسم بیجان آمده‌است.

از همه اینها گذشته، بعید به نظر میرسد که خداوند چنین قدرتی به مردم منافقی همچون سامری بدهد که بتواند کاری همانند معجزه موسی (علیه السلام) انجام دهد و جسم بیجانی را جاندار سازد، کاری که برای توده مردم مسلما گمراه کننده است و دلائل بطلان آن در نظرشان روشن نیست، ولی اگر گوساله به شکل یک مجسمه طلایی بوده باشد، دلائل بطلان آن روشن است و تنها وسیله‌ای برای آزمایش افراد بوده باشد، نه چیز دیگر.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که سامری از آنجا که میدانست قوم موسی (علیه السلام) سالها در محرومیت به سرمیبردند و به علاوه روح مادگیری چنانکه در بسیاری از نسلهای امروز آنها نیز می‌بینیم بر آنها غلبه داشت و برای زر و زیور احترام خاصی قائل بودند، لذا او گوساله خود را از طلا ساخت، تا توجه شیفتگان و بردگان را به سوی آن جلب کند.

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۳

اما اینکه: این ملت فقیر و محروم در آن روز آنهمه زر و زیورها را از کجا آورده

بودند؟ در روایات چنین آمده که زنان بنی اسرائیل برای بزرگداشت یکی از اعیاد خود، مقدار قابل ملاحظه‌ای از زیورآلات فرعونیان را به عاریت گرفته بودند و این جریان مقارن غرق و نابودی آنها واقع شد، و زیورآلات مزبور در دست بنی اسرائیل باقی ماند.

سپس قرآن به عنوان سرزنش آنها میگوید: آیا اینها نمی‌دیدند که آن گوساله با آنان سخن نمی‌گوید و راهنمائیشان نمیکند؟! (الم یروا انه لایکلمهم و لا یهدیهم سبیلاً).

یعنی یک معبود واقعی حداقل باید نیک و بد را بفهمد و توانائی بر راهنمائی و هدایت پیروان خود داشته باشد، با عبادت کنندگان خویش، سخن بگوید و آنها را به راه راست هدایت کند و طریقه عبادت را به آنها بیاموزد.

اصولاً چگونه عقل انسان اجازه می‌دهد که معبود بیجانی را که ساخته و پرداخته خود او است، بپرستد، حتی اگر فرضاً آن زیورآلات تبدیل به گوساله واقعی هم شده باشد به هیچوجه شایسته پرستش نیست، گوساله‌ای که هیچ نمی‌فهمد و در نفهمی ضرب المثل است.

آنها در حقیقت به خودشان ظلم و ستم کردند، لذا در پایان آیه می‌فرماید: گوساله را معبود خود انتخاب کردند و ظالم و ستمگر بودند (اتخذوه وکانوا ظالمین).

ولی با مراجعت موسی و روشن شدن مسائل، بنی اسرائیل به اشتباه خود پی‌بردند، از کار خود نادم و پشیمان گشتند و از خدا تقاضای عفو و بخشش

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۴

کردند و گفتند: اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشد به طور مسلم از زیانکاران خواهیم بود (و لما سقط فی ایدیهم و راوا انهم قدضلوا قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخاسرین).

جمله و لما سقط فی ایدیهم (به معنی هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد، یا هنگامی که نتیجه شوم اعمالشان به دستشان افتاد، و یا هنگامی که چاره از دست آنها ساقط شد) در ادبیات عرب کنایه از ندامت و پشیمانی است، زیرا هنگامی که واقعیات به دست انسان بیفتد و از حقیقت امر آگاه گردد، و یا به نتایج نامطلوب برسد، و یا راه چاره بر او بسته شود طبعاً پشیمان خواهد شد، بنابراین پشیمانی از لوازم مفهوم این جمله است.

به هر حال بنی اسرائیل از کرده خویش پشیمان گشتند ولی مطلب به همینجا خاتمه نیافت، چنانکه در آیات بعد خواهیم خواند.